



اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران



تحلیل جامعه شناختی پدیده خیانت زنان متاهل

علی زینلی

کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی قوچان، ab.ho1991@gmail.com

دکتر حسین اکبری

عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، akbarihussein@gmail.com

چکیده:

باتوجه به افزایش روز افزون پدیده خیانت در بین زوجین و تبدیل شدن این پدیده به عنوان یکی از عوامل بسیار موثر در ازهم پاشیدگی خانواده های امروزی، این تحقیق باهدف بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به روابط خارج از زندگی زناشویی زنان متاهل شهرستان درگز در سال ۱۳۹۴ انجام شده است. رویکرد حاکم بر این تحقیق کیفی، تکنیک جمع آوری اطلاعات مصاحبه عمیق و ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختار یافته می باشد. جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان متاهلی بودند که به شوهر خود خیانت کرده بودند. روش نمونه گیری هدفمند، شیوه نمونه گیری به صورت تدریجی و براساس قاعده روشنایی بخشی انتخاب شده و حجم نمونه نیز بر مبنای قاعده اشباع اتخاذ شده که در نهایت ۱۲ نفر به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده ها نیز به صورت کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد.

نتایج نشان داد که در نهایت عوامل اجتماعی موثر بر خیانت زنان متاهل:

- عدم حمایت اجتماعی از طرف همسر که خود شامل حمایت عاطفی، جنسی، مالی می شود
- استفاده نامناسب از وسایل ارتباط جمعی: استفاده نامناسب از ماهواره و شبکه های اجتماعی
- برخی آسیب های اجتماعی: خشونت علیه زنان، اعتیاد
- یادگیری اجتماعی خیانت: آموختن خیانت
- عدم سنخیت: شکاف های شخصیتی و زیستی، ضعف اعتقادات مذهبی می باشد.

کلید واژه ها: خیانت، زنان متاهل، عوامل اجتماعی



اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران



۱. طرح مسئله:

خیانت، عبور فرد از مرز رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از حیطه زناشویی است (درايگوتاس و بارتا، ۲۰۰۱). خیانت زناشویی به هر گونه رابطه جنسی یا عاطفی فراتر از چارچوب رابطه متعهدانه بین دو همسر اطلاق می‌گردد. (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱:۱). خیانت در روابط زناشویی یکی از دلایل طلاق و آسیب رسان به زوجین می‌باشد. (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲:۲). خیانت شامل برقراری ارتباط جنسی یک فرد متاهل با جنس مخالف، خارج از چهارچوب خانواده (غیر از همسر) است (کاو، ۱۳۸۳). خیانت زناشویی یکی از مهمترین عوامل تهدید کننده عملکرد، ثبات و تداوم روابط زناشویی است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱:۱).

مشاورین مطرح خانواده از افزایش طلاق‌های ناشی از خیانت همسران به یکدیگر خبر داده‌اند. کارشناسان با اشاره به علل پدید آمدن این ناهنجاری اخلاقی در حریم جامعه مذهبی ایران نگرانی خود را از افزایش خیانت و تاثیر آن بر قوام خانواده اعلام کردند. دکتر حمید ایروانی مشاوره خانواده که با رویکرد جدیدش در ترمیم روابط ناشی از خیانت همسران به چهره‌ای محبوب و البته گرانقیمت در بین مشاورین خانواده در شمال شهر تهران تبدیل شده است. در این رابطه به خبرنگار همشهری گفت: متأسفانه از هر ده مورد مراجعه‌ای که به دفتر من می‌شود، هشت مورد آن در خصوص خیانت یکی از زوجین بوده است. اگرچه در بسیاری از موارد خیانت از سوی مرد آغاز می‌شود اما در سالهای اخیر به دلایلی این ناهنجاری اخلاقی از سوی زن نیز به عنوان یک عمل متقابل و به بهانه انتقام از مرد بی‌وفا و یا برطرف کردن کمبودهای عاطفی ناشی از بی‌توجهی همسر به کار گرفته می‌شود.

دکتر مهرداد احمدیان راد از مشاورین مطرح خانواده نیز معتقد است. افرادی که به همسر خود خیانت می‌کنند، عموماً از قدرت شخصیتی پایینی برخوردار هستند. از دیدگاه وی صرف نظر از ضعف ایمان و اخلاق، این دسته از افراد دارای شخصیت متزلزلی هستند و نمی‌توانند خود را با چارچوب زندگی مشترک تطبیق دهند و سعی می‌کنند از آن به انحاء گوناگون بگریزند.

همچنین دکتر محمد حسین شاکرزاده مشاور حوزه خانواده با اشاره به تاثیر مخرب ماهواره بر رویکرد‌های اخلاقی زوج و زوجه در خانواده آن را عامل مهمی در قبح زدایی از این رفتار غیر اخلاقی برشمرده‌اند و تاکید کردند: ۹۰ درصد از افرادی که دچار این انحراف می‌شوند از ماهواره استفاده می‌کنند و همچنین این افراد عموماً قبل از ازدواج دارای روابط متعدد با جنس مخالف بوده‌اند که آنها را تنوع طلب بار آورده است و لذا کمی پس از شروع زندگی مشترک با مقایسه شرایط بی‌بندوبار بیش از ازدواج، به سمت این انحراف کشیده می‌شوند.

خانم دکتر مهسا آل احمد روانشناس نیز داشتن چندین موبایل و شماره‌های تلفن موقت متعدد بدون اطلاع دیگر اعضای خانواده خصوصاً همسر را یکی از مصادیق تکرار شده در بین این افراد دانسته و افزود، همسران البته پس از زمان کوتاهی براساس برخی شواهد، متوجه تغییر رفتار یکدیگر می‌شوند و در صورت عدم برخورداری از توان روحی و دینی مناسب از آن پس بدون کمترین اعتماد به یکدیگر منتظر فرصتی برای انتقام هستند که منجر به رفتارهای غیر اخلاقی متقابل می‌شود و این رفتار سرانجام خانواده را به نقطه فروپاشی می‌رساند.

این مشاور حوزه خانواده ورود مسئولانه دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی را در پیش‌گیری از این رویکرد انحرافی در بین زوجین خواستار شده و نسبت و بی‌توجهی و سهل‌انگاری در مقابله با این معضل اخلاقی هشدار داد (گاردن: ۲۰۰۵ به نقل از هنرپوران، ۱۳۹۳:۲).

بی‌وفایی زناشویی پدیده‌ای است که اغلب به خاطر بر طرف شدن نیازهای عاطفی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می‌پیوندد. (هارلی، ۲۰۰۶ به نقل از مومنی جاوید، ۲۰۱۳:۲). زندگی مشترک نیز مانند هر امر و پدیده دیگری، آسیب‌ها و آفتهای خاص خود را دارد و یکی از این آسیب‌های بزرگ و عمده زندگی مشترک، وجود روابط نامشروع است (کاو، ۱۳۸۳ به نقل از شیردل، ۱۳۸۵:۱). بی‌وفایی و خیانت، نوعی اختلال و بیماری در رفتار است، زیرا با توجه به عوارض ناهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب‌ها و مشکلات مختلفی را برای هریک از افراد دیگر ایجاد می‌نماید. (کاو، ۲۰۰۸ به نقل از مومنی جاوید، ۱۳۹۰:۲)

نبودن میل جنسی، ناکارآمدی جنسی مانند ناتوانی در روابط جنسی مطلوب و زود انزالی به طور مزمن، امتناع از عشق‌بازی و رفتار جنسی، عدم تحریک‌پذیری جنسی، دیر ارضا شدن، عدم توانایی در اظهارعشق جسمی و عاطفی مسایلی هستند که بیشتر مطرح می‌شوند. این موارد زوجین به جای درمان مشکل موجود در رابطه جنسی‌شان، به دلیل ناآگاهی یا احساس شرم و یا دلایل دیگر، مشکل را حل نشده رها کرده و نیاز خود را با ایجاد رابطه نامشروع جبران می‌کنند. (اسپرینگ، ۱۳۸۰ به نقل از شیردل، ۱۳۸۵:۴)

بی‌وفایی و خیانت، نوعی اختلال و بیماری در رفتار به شمار می‌رود. زیرا با توجه به عوارض ناهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب‌ها و مشکلات مختلفی را هم برای همسر خیانتکار و هم برای فرد ایجاد می‌کند. خیانت همسر، شبیه علائم استرس پس از



ضربه بوده و با علائم شوک، سردرگمی، خشم، افسردگی، آسیب دیدن عزت نفس و کاهش اعتماد به نفس در مسائل شخصی و جنسیتی باشد. همچنین نتایج پژوهش‌های دیگر حاکی از آن است که پس از افشای خیانت همسر، خانواده‌ها با مسایلی نظیر بحران زناشویی، تضعیف عملکردی در نقش والدینی و مشکلات شغلی روبرو می‌شوند. از دیگر پیامدهای خیانت همسر می‌توان به مسایلی نظیر ضرب و شتم، قتل همسر و اقدام به خودکشی اشاره کرد.
(گاردن: ۲۰۰۵ به نقل از هنرپروران، ۱۳۹۳: ۲).

عموم محققان اذعان دارند که هر چند عشق رمانتیک می‌تواند کشش متقابل شدیدی بین زن و مرد جوان به وجود آورد ولی این عشق معمولاً از عمر چندانی برخوردار نیست و زمانی که شور اولیه آن از بین برود می‌توان انتظار داشت که رابطه زناشویی نیز که بر اساس چنین عشقی استوار گردیده است متزلزل شده واز هم بپاشد. (تایلر و همکاران، ۲۰۰۰، نقل از بستان نجفی).
کاوه در پژوهش که روی ۲۰۰ نفر از خانم‌های متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره انجام داد، به این نتیجه رسید که ۴۸ درصد خانم‌ها شواهد و مدارکی دال بر ارتباط برقرار کردن همسرشان با خانم دیگری را ملاحظه کرده بودند و ۲۷ درصد از شوهران، رابطه جنسی با فردی از جنس مخالف، غیر از همسر را داشته‌اند. (کاوه، ۱۳۸۳).

همچنین حدود ۴۰ درصد افرادی که در آمریکا طلاق گرفته‌اند گزارش کرده‌اند که در طول زندگی زناشویی حداقل یکبار درگیر روابط خارج از حیطه زناشویی شده‌اند (سودانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲).

با توجه به اینکه خیانت به عنوان یکی از تابوهای جامعه ما تلقی می‌شود پژوهش در این زمینه با مشکل خاصی همراه است. سطح افشاگری پایین از سوی کسانی که تجربه خیانت همسر داشته‌اند و کسانی که خود اقدام به خیانت کرده‌اند، به دلیل ترس از افشای اسرار زندگی شخصی شان و نتایج متعاقب آن به همکاری وضع گروه نمونه مورد نظر منجر می‌شود و از طرفی همکاری ضعیف از سوی مراجع قضایی و سایر سازمان‌های مرتبط به مشکلات فراوان، به ویژه در زمینه گردآوری اطلاعات منجر می‌شود در این زمینه کم‌کار شده و احتیاج به تحقیق دارد هدف پژوهشگران این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به روابط خارج از زندگی زناشویی زنان متأهل در شهرستان درگز می‌باشد.

۲. چهارچوب نظری

در این بخش به بررسی نظریات مرتبط با تحقیق می‌پردازیم.

نظریه انگ زنی در واقع صورتی است از نظریه کنش متقابل نمادین و در تعریف رفتار ناپه‌نجانار دوایده اصلی مطرح می‌کند: (۱) متقابل بودن کنش (۲) نمادی بودن کنش-این رویکرد، کج رفتاری را مفهومی ساخته جامعه می‌داند، یعنی گروهی در جامعه با تصویب قوانینی که تخطی از آنها کج رفتاری محسوب می‌شود و کسانی را قادر به انگ زنی می‌داند که نماینده قانون، نظم و اخلاق رایج‌اند و کج رفتار کسی است که این انگ به طور موفقیت آمیزی در مورد او بکار رفته و کج رفتاری عملی است که دیگران آن را چنین تعریف کرده باشند و نمونه انگ خوراندگان هم معمولاً فقرا، مجرمان، بزهکاران جوان، معتاد به مواد مخدر، بیماران روانی و امثال آنها هستند. اما انگ زدن به یک شخص به عنوان کج رفتار، هم برای او و هم برای انگ زنده پیامدهایی دارد. همین که شخصی انگ کج رفتار خورد، صرف نظر از ماهیت کنش او، تمایل می‌یابد که خود را کج رفتار بداند و همین امر باعث ادامه کنش قبلی (کج رفتاری) خواهد شد.

تلاش پدیدارشناسی این است که به بخش اندرونی ذهن افراورد می‌شود و به مقولات و مفاهیمی مانند آگاهی، نگرش، احساس، درک و دریافت و عقیده آنها بپردازد. فرض اصلی نظریه پدیدارشناختی این است که همه افراد، چه کج رفتار انگ خورنده و چه هم‌نوی انگ زنده، از کج رفتاری، کاملاً ذهنی عمل می‌کنند. پدیدارشناس مدعی است که کنش اجتماعی، تنها تحت تاثیر فشار نیروهای بیرونی نیست، بلکه کنش گران ضمن زندگی روزانه خود، واقعیات اجتماعی را تجربه و مرتباً آن را بازسازی می‌کنند و در کنش متقابل با یکدیگر جهانی می‌سازند که در آن هر کس می‌تواند خود را به جای دیگری قرار دهد و از آن منظر به خود و دیگران نگاه کند و وقتی در شرایطی مشابه واقع می‌شود، راه‌حلهای مشابهی را انتخاب می‌کند.

نظریه پردازان مارکسیست حوزه تضاد، مشخصاً بر طبیعت استثمارگر سرمایه داری به عنوان علت اصلی کج رفتاری افراد تاکید می‌کنند و مدعی‌اند که فرآیند انباشت سرمایه و افزایش منافع سرمایه داران به بیکاری بخشی از اعضای طبقه محروم منتهی می‌شود که این بیکاری علت اصلی کج رفتاری است و عدم توانایی این جمعیت بیکار در تامین یک زندگی محترمانه، آنها را به کج رفتاری می‌کشاند. این کج رفتاریها تنها مربوط به سرقت اموال نیست بلکه جرایم شخصی مثل زدو خورد، تجاوز، قتل، الکلیسم و خودکشی را نیز در بر می‌گیرد و حتی موجب بروز بیمارهای روانی می‌شود. و هم‌چنین قرار گرفتن این جمعیت بیکار در حاشیه فرآیندهای اقتصادی به



اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران



مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی و فرهنگی

فقدان عزت نفس و به احساس ناتوانی و بیگانگی در آنان می‌انجامد که فشارهای زیادی را بر آنها تحمیل می‌کند و در برخی مواقع موجب بروز مشکلات عاطفی می‌شوند بدین ترتیب سرمایه داری، افراد را فقیر و مجبور به کج رفتاری می‌کنند.

ویلیام تامس و فلورین زانیکی معتقدند پدیده مهاجرت و نقل مکان منجر به تغییر نگرش در انسانها از حالت جمع‌گرا به فرد‌گرا شده است. این دو نظریه پرداز به ذکر قواعد جامعه شناختی زیر در مورد بی‌سازمانی خانوادگی پرداختند: الف) ارزش‌های جدید (مانند ارضای لذت جویانه‌ی خواهش‌های جنسی) وارد خانواده شده است و در تعارض با ارزش‌های کهن، بی‌سازمانی خانواده را به دنبال دارد.

نکته اصلی نظریه‌سازان این است که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های غیر انحرافی شان است. این تفاوت شامل افراد با کسانی که ایده‌های کج رفتارانه دارند. نسبت به افرادی که از ایده‌های هم‌نویانه برخوردارند (یعنی ارتباط بیشتر آنان با کج رفتاران یا ایده‌های کج رفتاری) علت اصلی کج رفتاری آنها است.

در نظریه‌های کنترل اجتماعی فرض شده که همه بطور طبیعی انگیزه ارتکاب کج رفتاری را دارند و نیازی به تبیین این انگیزه‌ها نیست بلکه آنچه نیاز به توضیح و تبیین دارد، هم‌نویایی با هنجارهای اجتماعی است. تراوس هرشی، مهم‌ترین صاحب نظر این رویکرد علت هم‌نویایی افراد با هنجارهای اجتماعی آنها دانسته است. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نویایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج رفتاری است. هرشی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را که مانع کج رفتاری میشود (۱. تعلق خاطر (۲. متعهد (۳. درگیر شدن (۴. اعتقاد

دکترین بازدارندگی بر اعمال کنترل اجتماعی رسمی به وسیله قضاوت و سایر عوامل اجرای قانون تاکید دارند. فرض اصلی در این نظریه این است که انسانها اساساً عقلانی عمل کرده، در مورد ارتکاب هر نوع کج رفتاری تحلیل داده-ستانده می‌کنند و چنانچه هزینه ارتکاب بیش از منفعت آن باشد از کج رفتاری خودداری خواهند کرد. بنابراین مجازات - یعنی کنترل اجتماعی از طریق بازداشت، محاکمه، زندان و اعدام مجرم- مانع ارتکاب جرم و عدم مجازات مشوق کج رفتاری می‌شود. فرض این نظریه این است که هرچه شدت، قطعیت و سرعت اعمال مجازات بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آن نیز بیشتر خواهد بود.

ترتیب جنسی‌آرمانی برای فمینیست‌های لیبرالی، آن ترتیبی است که طی آن هر فردی مناسبترین سبک زندگی را برای خود برگزیند و گزینش او از سوی دیگران پذیرفته و مورد احترام قرار گیرد، حال می‌خواهد خانه‌داری یا خانه‌شوهری باشد، زندگی مجردی باشد و یا نیمی از درآمد خانوادگی را عهده‌ار شود بچه‌دار یا بی‌بچه باشد و یا نوعی ارضای جنسی انعطاف‌پذیر را در پیش گیرد، بنابراین طبق این نظریه هر زنی می‌تواند نوعی ارضای جنسی که مورد نظر خود است انتخاب کند

اصطلاح «مدرنیته» برای قرن‌ها مترادف دگرگونی اجتماعی بوده است. اما در دوره‌ای که گیدنز آن را «اواخر مدرنیته» می‌نامد. از سال ۱۹۰۰ و عمدتاً از جنگ جهانی دوم به بعد (آهنگ و سرعت دگرگونی، شدت یافت. نویسندگان جریان‌ات مسلط فکری عقیده دارند که این پیامدها باعث بروز احساسات دوگانه در سطحی گسترده در بین همگان شده است.

گیدنز مقیاس و میزان شگفت‌انگیز و نیز شدت دگرگونی اجتماعی را با اشاره به دو شیوه کردار بیان می‌کند. روابط مبتنی بر «بازتابندگی» و برآمده از تکنولوژی که بازارها، نظام‌های بوروکراتیک و رسانه‌های فرهنگی را قادر می‌سازد در سراسر جهان گسترش یافته و سپس در بازگشت، محیط کار، خانه و زندگی روزمره‌ی ما را در بر می‌گیرد. «بازتابندگی» به رویه‌هایی اشاره دارد که به وسیله‌ی مشاهده و تفکر، هدایت و راهنمایی می‌شود. (یعنی آگاهی استدلال)

یعنی خود دورکنیم بر این باور بود که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی - نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم می‌پیوندد - قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزشها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند؛ ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند. به بیان دیگر، افرادی که با اجتماع خود همبستگی دارند تمایل به تبعیت از مقررات آن دارند؛ در حالی که کسانی که از اجتماع بریده‌اند، ممکن است، تمایل به نقض آن مقررات داشته باشند.

بنابراین کج رویها و نوع کنترل اجتماعی با توجه به ساختار جامعه، شکل حکومت، فرهنگ، نهادهای اجتماعی و... متفاوت است. در جامعه بسته روستایی که همه همدیگر را می‌شناسند و روابط براساس احترام است و کوچکترها به وسیله و تحت کنترل بزرگترها یا به عبارتی ریش سفیدان هستند، اعضای جامعه برای آنکه انگشت نما نشوند و از جامعه خود طرد نگردند، کمتر به کج روی روی آورند. از این رو، افراد سعی دارند در چهارچوب سنت و فرهنگ جامعه خود زندگی کنند، زیرا در این گونه جامعه‌ها، نگاه ریش سفیدان به فرد خاطی سنگین تر از چند سال زندان است. اما شکل کنترل اجتماعی در جامعه‌های باز مثل شهرها متفاوت است. در شهر خانواده کوچکتر شده و اعضای خانواده به خاطر مشکلات اقتصادی و شغلی و درگیر شدن با زندگی ماشینی کمتر همدیگر را می‌بینند. در اینجا، قانون و مقررات کنترل کننده رفتار اجتماعی است.

پس از دورکیم رابرت مرتون (۱۹۶۸) جامعه‌شناس آمریکایی نظریه فشار ساختاری خود را بر پایه نظریه بی‌هنجاری او تعمیم داد. مرتون آنومی یا بی‌هنجاری را به فشاری اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر افراد وارد می‌آید. در واقع، این نظریه، انحراف را به عنوان نتیجه فشار ساختاری می‌داند که مردم را تحت فشار قرار می‌دهد، تبیین می‌کند.

در نظریه فشار ساختاری، مرتون بر این باور است که انحراف (کژرفتاری) برای این پیش می‌آید که جامعه دستیابی به برخی هدفها را تشویق می‌کند؛ ولی وسایل ضروری برای رسیدن به این هدفها را در اختیار همه اعضای جامعه قرار نمی‌دهد. در نتیجه، برخی افراد یا با هدفهای خاصی را برای خود برگزینند و یا برای رسیدن به هدفهایی که فرهنگ جامعه شان تجویز کرده، باید وسایل نامشروعی را به کار ببرند.

نظریه انتقال فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود. ادوین ساترلند (۱۹۳۹) بر این اعتقاد بود که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند تبهکاران آموخته می‌شود. او می‌گوید: برای آنکه شخص جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد. (کوئن؛ ۱۳۷۰: ۱۶۷). کراسی (۱۹۴۳) نیز مانند ساترلند بر این باور است که بسیاری از رفتارهای جنایی از طریق معاشرت با کسان و والدین قابل پذیرش و پاداش دهنده که در محیط جسمانی و اجتماعی فرد هستند، آموخته می‌شود.

دورکیم^(۱) (۱۹۵۱) از جمله نظریه پردازان قرن نوزدهم است که به تبیین کژ رفتاری از دیدگاه جامعه‌شناختی پرداخت. او درباره‌ی رابطه میان انسان و نیازها و آرزوهایش بحث می‌کند و بر این باور است که در شرایط اجتماعی استوار و پایدار، آرزوهای انسان از طریق هنجارها، تنظیم و محدود می‌شود و با از هم پاشیدگی هنجارها (و لذا از بین رفتن کنترل آرزوها) یک وضعیت آرزوهای بی‌حد و حصر یا آنومی^(۲) بوجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد و حصر، نمی‌توانند ارضا شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی پدید می‌آید. سپس این نارضایتی، در جریان‌های اقدامات اجتماعی منفی نظیر: خودکشی، تبهکاری، طلاق و... ظاهر می‌گردد.

۳. مدل تحقیقی:



۴. روش تحقیق:

روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت کیفی خواهد بود. مهمترین ابزار آن، مصاحبه عمیق است که با زنان متأهل که مرتکب خیانت شده اند انجام می‌گیرد. روش‌های کیفی را می‌توان برای بدست آوردن جزئیات ظریف از پدیده‌هایی نظیر احساس، فرآیندهای ذهنی و هیجاناتی به کار برد که آموختن درباره آن‌ها با استفاده از روش‌های متعارف پژوهش، دشوار است (استراوس، ۱۳۹۰: ۳۳).

۴-۱ جامعه مورد مطالعه:

جامعه مورد نظر در این پژوهش شامل کلیه زنان‌هایی که روابط خارج از زندگی زناشویی داشته‌اند و برای طلاق به اورژانس اجتماعی شهرستان درگز مراجعه کرده‌اند.

۴-۲ نمونه‌گیری:

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه عمیق است. گردآوری داده‌ها تا زمانی که به حد اشباع برسد ادامه دارد. یعنی تا زمانی که افراد نمونه دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکنند و یا آنچه که مطرح می‌کنند، در تضاد با دانسته‌های گردآوری شده نباشد. البته عامل کلیدی که در این راستا باید در نظر گرفت، ماهیت سوالی است که در پژوهش مطرح می‌شود (حریری، ۱۳۵۸: ۱۴۰).

با توجه به این نکته که در روش تحقیق کیفی نمونه‌گیری به شیوه روش کمی وجود ندارد و نمونه‌گیری مفهومی بیشتر مد نظر است، لذا حجم نمونه در فرآیند کار مشخص می‌شود. بدین معنی، تا زمانی که جواب‌ها به اشباع نظری نرسند مصاحبه‌ها ادامه می‌یابد. در تحقیق حاضر ۱۲ نمونه پاسخ‌ها به اشباع نظری رسیده است.

۵. یافته‌ها و بحث

در استراتژی تجزیه و تحلیل از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود.

الف: کدگذاری باز

ب: کدگذاری محوری

ج: کدگذاری انتخابی

کدگذاری باز:

کدگذاری باز بخشی از تجربه و تحلیل است که شامل شناسایی، نام‌گذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها است. در مصاحبه‌ها سعی خواهد شد پاسخگویان همه اثرات زندان را در زمان گذشته و حال مورد توجه قرار دهند و اظهار کنند. در نهایت مجموعه متن مصاحبه‌ها برای استخراج اثرات زندان مطالعه و کدگذاری خواهد شد (صدیق‌اورعی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

کدگذاری محوری:

کدگذاری محوری فرآیند ایجاد ارتباط بین کدها (دسته‌بندی‌ها و مشخصات) با یکدیگر است. در این مرحله عناوین به دست آمده در کدگذاری باز مجدداً مورد انتزاع قرار خواهد گرفت و به هر دسته‌عنوانی کلی‌تر داده‌ها شد. به عبارت دیگر در این مرحله، مفاهیم استخراج خواهد شد و در قالب مقولات عمده دسته‌بندی خواهند گردید (همان منبع).

جدول ۱. مقولات عمده عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به روابط خارج از زندگی زناشویی زنان متأهل

مفاهیم	مقولات محوری
ازدواج با اختلاف سنی زیاد	شکاف‌های شخصیتی و زیستی
شرایط نامساعد همسر	
عدم تفاهم اخلاقی	
عدم درک متقابل	
برآورده نشدن نیازهای جنسی	عدم حمایت جنسی
عدم رضایت جنسی	
خیانت با خاطر عقده‌های جنسی	

مفاهیم	مقولات محوری
اهمیت همسر به دوستان	عدم حمایت عاطفی
خیانت به خاطر کمبود محبت	
خلاء های عاطفی	
تنهایی	
احساس افسردگی	
بی تفاوتی و رفتارهای سرد همسر	
عدم تامین نیازهای عاطفی	
عدم مقاومت در برابر ابراز احساسات شخصی دیگر	ضعف اعتقادات مذهبی
ابراز محبت از طرف شخصی دیگر	
اعتقادات دینی ضعیف زوجین	
ضعف اعتقادات	عدم حمایت مالی
فشار مالی	
کمک مالی از جنس مخالف	
خیانت به خاطر خلاء های مالی	
بی مسئولیتی همسر به دلیل مصرف مواد	
انجام وظایف شغلی همسر	
ازدواج مجدد به خاطر مشکلات مالی	
پر کردن اوقات فراغت با ماهواره و شبکه های اجتماعی	استفاده نامناسب از شبکه های اجتماعی
استفاده غیر معمول از شبکه های اجتماعی	
ارتباط همسر با جنس مخالف از طریق شبکه های اجتماعی	
تاثیر فیلم های ماهواره بر تنوع طلبی جنسی	استفاده نامناسب از ماهواره
مصرف ماهواره	
تغییر رفتار همسر به دلیل مصرف ماهواره	
تغییر خواسته های جنسی همسر	
گرایش همسر به مصرف مواد	
مصرف مواد	اعتیاد
آلوده شدن به مصرف مواد	
مشاخره به خاطر تامین هزینه های مواد	
گرایش همسر به مصرف مواد	
خیانت به خاطر تامین هزینه مواد	
ارزش قائل نشدن برای اعتراضات از طرف همسر	خشونت علیه زنان
خشونت روانی همسر	
تلافی خیانت همسر	آموختن خیانت
تقلید خیانت	

در ایجاد مقوله های عمده، سعی شده است که هر کدام از مقوله ها به لحاظ نظری، دارای انسجام قابل قبولی باشند اینک به ارائه توضیح مختصری درباره هر یک از این مقولات عمده خواهیم پرداخت.

شکاف های شخصیتی و زیستی:

یکی از عواملی که منجر به خیانت زنان متاهل می شود، بحث شکاف هایی است به لحاظ روانشناختی، اخلاقی، سنی بین زوجین وجود دارد که این شکاف منجر به عدم تحمل یک رابطه و گرایش به سمت رابطه نامشروع خارج از چهارچوب ازدواج می شود.

در توضیح اهمیت شکاف های اخلاقی **خانم س.م** می گوید:

"بله، من و همسرم با هم تفاهم اخلاقی نداشتیم."

در مورد شکاف سنی **خانم ع.ص** می گوید:

" زمانی متوجه شدم کار اشتباهی انجام می‌دهم که تعداد خواستگاری‌هایم بسیار محدود شده بودند و هیچ کدام شرایط مناسبی نداشتند تا اینکه به اجبار خانواده به فردی جواب مثبت دادم که بیست سال از خودم بزرگتر بود."
بنابراین من جمله عوامل مهم در ایجاد خیانت وجود شکاف‌های شخصیتی و زیستی بین زوجین می‌باشد.

عدم حمایت

عدم حمایت از طرف همسر در ابعاد مختلف جنسی، عاطفی، مالی یک از عوامل مهم در ایجاد خیانت زنان متأهل می‌باشد، این یافته با توجه به برخی از نظریان نیز قابل تبیین می‌باشد، از جمله نظریه مارکسیسم علت کج رفتاری را ضعف اقتصاد سرمایه داری می‌داند طبق این نظریه، افراد در شرایط اقتصادی نامطلوب جهت برطرف نمودن نیازهای خود کج رفتار می‌شوند همچون زنانی که از نظر اقتصادی از جانب همسر تأمین نشده لذا جهت برطرف نمودن نیازهای مادی خود به زندگی مشترکشان پایبند نبوده و اقدام به برقراری روابط نامشروع می‌نمایند.

خانم ع.ل می گوید:

"آره، رابطه ما هر روز عمیق تر می‌شد تا جایی که به منزلش رفتم و... (مراجع سکوت کرد و سرش را پایین انداخت) حتی وقتی فهمیدم همسرش زنده است و او به من دروغ گفته آن قدر شیفته اش شده بودم که دروغش برایم مهم نبود. شاید حق من نبود با حسرت نداشته‌هایم یک عمر کنار بیایم."

همچنین خانم ر.م می گوید:

"راستش او برعکس همسر من اوضاع مالی اش فوق العاده بود هر از گاهی به حسابم پول واریز می‌کرد می‌گفت این پولها بابت وقتی است که برایش گذاشته‌ام. یک بار از من خواست تا حضوری از من تشکر کند در دفتر کارش با هم قرار گذاشتیم."
همچنین در توضیح عدم حمایت عاطفی با استنباط از نظریه فمینیسم روانکاوانه که بر طبق این نظریه زنان زمانی که از همسر خودشان حمایت و از نظر عاطفی ارضا نشوند به روابط با مردان دیگر، خارج از زندگی زناشویی تمایل می‌یابند.

خانم ع.ل در توضیح عدم حمایت عاطفی می گوید:

"وقتی که همسر من با من سرد برخورد می‌کردند و حمایت عاطفی از بنده نداشتند دیگر نتوانستم در برابر ابراز احساسات آن مرد مقاومت کنم و متأسفانه اینطور شد که به همسر من خیانت کردم."

خانم ف.ا در توضیح تنهایی می گوید:

"همسر من درگزی است بعد از ازدواج، در شمال زندگی کردیم و همسر من به واسطه کاری که داشتند مجبور بودند اکثر اوقات بیرون منزل باشند من و فرزندم در خانه با هم تنها بودیم و این برایم خسته کننده بود."

خانم ر.م در توضیح بی تفاوتی‌های عاطفی می گوید:

"این بی تفاوتی‌ها و رفتارهای سرد همسر من باعث شد که بنده دچار خطا شوم."

ضعف اعتقادات مذهبی

تراوس هرشی در زمینه کج رفتاری در بُعد کنترل اجتماعی به پیوند اجتماعی اشاره نموده است چرا که از نظر هرشی افراد برای اینکه در جامعه شخصیت مقبولی داشته باشند به ناچار باید با هنجارهای اجتماعی هم نوا بوده و جهت انجام این هم نوایی نیاز به برقراری پیوند اجتماعی دارند و از دیدگاه هرشی ضعف این پیوند یا نبودن آن علت اصلی کج رفتاری است و اگر این پیوند اجتماعی بین فرد و جامعه به نحو احسن برقرار گردد دیگر فرد دچار کج رفتاری نشده و یا اینکه احتمال وقوع کج رفتاری در وی ضعیف می‌باشد. بنابراین یکی از عوامل همنوایی افراد با هنجارهای اسلامی وجود اعتقادات مذهبی می‌باشد که باعث یک نوع پیوند بین افراد و جامعه می‌شود و ضعف آن می‌تواند یکی از دلایل خیانت زنان باشد.

خانم س.د می گوید:

"اگر من به سمت خدا می‌رفتم مطمئناً در این مرداب گرفتار نمیشدم و اکنون وضعیت بهتری داشتم."

یا خانم ف.ا می گوید

"همسر من نماز نمی‌خواند و گاهی هم مصرف مشروب داشت و خودم هم گاهی نماز می‌خواندم و زیاد پایبند اصول دینی نبودم"

استفاده نامناسب از وسایل ارتباط جمعی

دو ابزار مهم و مورد اقبال در بین وسایل ارتباط جمعی مصرف ماهواره و شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. در صورت استفاده نادرست و ناآگاهانه از این نوع وسایل، باعث اختلال در روابط زناشویی و به وجود آمدن پدیده خیانت می‌شود. همچنین با استنباط از نظریه

فاصله فرهنگی در حوزه جهانی شدن فرهنگ، طبق این رویکرد گسترش وسایل ارتباط جمعی، شیوه‌های گوناگون ارضاء میل جنسی را نشان داده است و زنان متأهل هم از وسایل ارتباط جمعی به درستی استفاده نکرده‌اند و به ارضاء میل جنسی به طرق گوناگون عمل کرده‌اند.

خانم ع. ص در توضیح استفاده نامناسب از شبکه‌های اجتماعی می‌گوید:

"همسرم که در منزل نبود من هم بیشتر وقتم را صرف تلگرام و چت می‌کردم."

خانم م. ه در توضیح استفاده نامناسب از ماهواره می‌گوید:

"بعد از مدتی که فیلم‌های ماهواره را دنبال می‌کردم کم‌کم احساسی در بنده به وجود آمد که می‌توانم با فردی دیگری هم به جز همسرم در ارتباط باشم"

همچنین **خانم ر. م** می‌گوید:

"فیلم‌ها هم بر من تأثیر گذاشت، چرا که تنوع طلبی و تجربه با مردهای مختلف را به من القاء می‌کرد."

اعتیاد:

اعتیاد که خود یک مسئله چند علیتی است می‌تواند خود ایجادگر زمینه خیانت باشد.

خانم ع. ل در خصوص تأمین هزینه‌های مواد می‌گوید:

"با گذشت زمان مقدار مصرفم زیاد شد و دیگر توان تأمین هزینه‌های مواد را نداشتم و زمانی که درب منزل افراد مواد فروش می‌رفتم خیلی به آنها التماس می‌کردم تا مواد بیشتری به من بدهند و گاهی که پولی دستم نبود . . ."

همچنین **خانم ع. ص** در خصوص اعتیاد همسر می‌گوید:

"بعد از اینکه در ساختمان نگهداری مستقر شدیم مدت زیادی نگذشت که همسرم مصرف مواد مخدر خود را شروع کرد و به تبع، مصرف مواد مخدر بیشتر وقت او را گرفته و نسبت به شغل خود بی‌مسئولیت شدند"

خشونت علیه زنان:

با توجه ظرفیت و لطافت عاطفی زنان و شکننده بودن آن هر گونه اعمال خشونت روانی علیه زنان می‌تواند باعث جدایی عاطفی و زمینه خیانت جنسی باشد.

خانم ع. ص می‌گوید:

"خیلی برایم سخت بود مخصوصاً نگاه‌های ناپاک بعضی از دوستان همسرم، بسیار برایم سنگین بود و زمانی که لب به اعتراض می‌گشودم همسرم با بنده خشن برخورد میکرد."

آموختن خیانت

طبق نظریه ساترلند در بحث انحرافات اجتماعی علت کج رفتاری افراد را ارتباطات انحرافی آنان می‌داند و این امر نشان دهنده تأکید ساترلند بر بعد یادگیری و آموزش افراد در این زمینه می‌باشد لازم به ذکر است که مباحث بالینی، شناختی و مرضی در نظریه کج رفتاری سادرلند جایگاه کم رنگی داشته و تأکید بیشتر وی بر محیط و یادگیری در محیط می‌باشد. بنابراین در برخی از مواقع زنان خیانت را از شخصی دیگر فرا می‌گیرند.

خانم س. م در توضیح تقلید خیانت می‌گوید:

"رفتارهای سرد همسرم باعث شد من بیشترین وقتم را با دختر خاله ام بگذرانم، متأسفانه دخترخاله ام با اینکه متأهل بودند نسبت به زندگی مشترکشان پایبند نبوده و در حق همسرشان خیانت می‌کردند و متأسفانه در، آمد و شدهایی که با ایشان داشتم من هم دچار این خطا شده و در حق همسرم خیانت نمودم"

همچنین **خانم آ. ج** در توضیح تلافی خیانت همسر می‌گوید:

"مطمئن شدم که همسرم از طریق شبکه‌های اجتماعی با خانومی در ارتباط است لذا مدتی سکوت کردم و در این رابطه به همسرم چیزی نگفتم و به خودم وعده میدادم که همسرم به زودی دست از این خطا بر میدارد زمانی که مشاهده کردم همچنان همسرم به خطای خود ادامه می‌دهد تصمیم گرفتم من نیز این خیانت را تلافی کنم."



کد گذاری گزینشی:

کد گذاری گزینشی سومین مرحله کد گذاری است که کد گذاری محوری را در سطح انتزاعی تر ادامه می دهد. در این مرحله شکل گیری و پیوند هر دسته بندی با سایر گروه ها تشریح می شود. با طرح موضوع به این ترتیب، شکل فرمول بندی شده و شرح و بسط داده شده ای از سرگذشت مورد به دست خواهد آمد. در این نقطه، اشتراوس و کوربین مساله یا پدیده اصلی مطالعه را به منزله یک مورد و نه به شکل یک شخص یا مصاحبه منفرد در نظر می گیرند. باید در اینجا توجه داشته باشید که هدف از این فرمول بندی ارائه تصویری اجمالی از ماجرا و مورد است و به همین دلیل باید با عبارتهای مختصر و کوتاه بیان شود. تحلیل از سطح توصیفی فراتر می رود و خط داستانی را تشریح می کند - یک مفهوم به پدیده اصلی داستان نسبت داده می شود و به سایر مقوله ها مرتبط می شود. در هر مورد، نتیجه کار باید یک مقوله و یک پدیده محوری باشد. تحلیل گر باید میان دو پدیده اصلی دست به انتخاب بزند و به آنها وزن بدهد، در نتیجه آن مقوله محوری به همراه مقولات فرعی اش که به آن مربوط می شوند، شکل می گیرد.

با دقت در مطالبی که تحت عنوان کد گذاری باز ارائه شد و با توضیحاتی که ذیل عنوان مقولات عمده ارائه گردید و با تجربه حاصل در طول مدت مصاحبه های ژرف با پاسخگویان به این نتیجه رسیدیم **عوامل اجتماعی موثر بر خیانت زنان متاهل:**

- عدم حمایت اجتماعی از طرف همسر که خود شامل حمایت عاطفی، جنسی، مالی می شود
- استفاده نامناسب از وسایل ارتباط جمعی: استفاده نامناسب از ماهواره و شبکه های اجتماعی
- برخی آسیب های اجتماعی: خشونت علیه زنان، اعتیاد
- یادگیری اجتماعی خیانت: آموختن خیانت
- عدم سنخیت: شکاف های شخصیتی و زیستی، ضعف اعتقادات مذهبی می باشد.





اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران



منابع:

۱. آزاد برمکی، تقی، محمد حسین شریفی ساعی، (۱۳۹۰). تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران، فصلنامه پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸.
۲. بخاری، احمد. (۱۳۸۶). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهاک جامعه.
۳. بشارت، محمد علی. (۱۳۷۷). زوج درمانگری مشکلات جنسی: نقش رابطه و تعامل زوجین در پدید آیی و درمان، تازه های روان درمانی، دوره ۶، شماره ۵، ص ۲۳ - ۴۱.
۴. پور سعید، سید مسعود. (۱۳۸۸). طراحی الگوی توسعه ی منابع انسانی کار آفرین بر اساس نظریه ی یادگیری اجتماعی، فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال اول، شماره ۳، ص ۸۱ - ۱۰۰.
۵. جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۰). نظریه های بی سامانی اجتماعی - بی هنجاری و فشار، تعالی حقوق، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۱۰۵-۱۴۷.
۶. حبیب الهی، مهدی. (۱۳۸۳). نظریه بازدارندگی هسته ای از تئوری تا عمل، ویژه، دوره ۲، شماره ۳۴، ص ۴۹ - ۸۲.
۷. دوست محمدی، احمد. (۱۳۸۷). نقش اجتماعی و نظریه سرمایه اجتماعی، رشد علوم اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۲۸-۳۵.
۸. دهکردی، علی اکبر، لیلیا حیدری نصب، شیرین کیقبادی، (۱۳۹۲). رابطه عملکرد جنسی با سازگاری زناشویی در زنان متاهل، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال بیستم-دوره جدید، شماره ۸.
۹. رجبی، غلامرضا، قدرت الله عباسی، رضا خجسته مهر، (۱۳۹۱). بررسی رابطه نگرش های جنسی، سبک های عشق ورزی و معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان، پژوهش های مشاوره، جلد ۱۲، شماره ۴۵.
۱۰. سودانی، منصور؛ منجزی، فرزانه و شفیق آبادی، عبدالله. (۱۳۹۰). تاثیر آموزش های اسلامی خانواده بر افزایش رضایت زناشویی زوجین، اندیشه های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، دوره ی ۸، شماره ۳، ص ۹ - ۳۰.
۱۱. سودانی، منصور؛ کریمی، جواد؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز و نیسی، عبدالکاسم. (۱۳۹۱). اثر بخشی زوج درمانی هیجان مدار بر کاهش آسیب های ناشی از خیانت همسر، تحقیقات علوم رفتاری، دوره ی ۱۰، شماره ۴، ص ۲۵۸ - ۲۶۸.
۱۲. ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۹). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات) چاپ بیست و یکم، تهران، آوای نو.
۱۳. سهرابی، فرامرز، فاطمه رسولی، (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرا زناشویی در بین زنان باز داشت شده در مرکز مبارزه مفساد اجتماعی شهر تهران، فصلنامه خانواده پژوهی، سال چهارم، شماره چهارده.
۱۴. شجاعی، محمد صادق. (۱۳۸۶). نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مزلو، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان شناسی، سال ۱، شماره ۱، ص ۸۷ - ۱۱۶.
۱۵. شفق، غلامرضا. (۱۳۸۹). نقد و بررسی پیش فرض ها و زمینه های اجتماعی نظریه «کنش اجتماعی» تالکوت پارسونز، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره اول، ص ۱۵۳ - ۱۸۴.
۱۶. شرفی جم، محمد رضا. (۱۳۸۳). نظارت مردمی در منظر انسان شناختی و جامعه شناختی، هم اندیشی علمی-پژوهشی.
۱۷. شریفی، مرضیه، مهناز حاجی حیدری، فریبرز خورش، مریم فاتحی زاده، (۱۳۹۱). رابطه طرح واره های عشق و توجیه روابط زناشویی در زنان متاهل شهر اصفهان، ویژه نامه سلامت روان، تحت علوم رفتاری، دوره ۱۰، شماره ۶.

۱۸. شیردل، ملیحه، (۱۳۸۵). عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
۱۹. صدیق سروسستانی، رحمت الله. (۱۳۸۸). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، چاپ پنجم، تهران، سمت.
۲۰. عطاری، یوسفعلی؛ حسین پور، محمد و راهنورد، سیما. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به شیوه ی برنامه ی ارتباطی زوجین بر کاهش دلزدگی زناشویی در زوجین، اندیشه و رفتار، دوره ی چهارم، شماره ۱۴، ص ۲۵ - ۳۴.
۲۱. عیسی نژاد، امید؛ احمدی، سید احمد و اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۹). اثر بخشی غنی سازی روابط بر بهبود کیفیت روابط زناشویی زوجین، مجله علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱، ص ۹ - ۱۶.
۲۲. علی تبار، سید هادی، سعید قنبری، علی زاده محمدی، دکتر مجتبی حبیبی، (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط فرازناشویی، فصلنامه خانواده پژوهی، سال دهم، شماره سی و هشت، ۲۶۷-۲۵۵.
۲۳. غلامزاده، مریم؛ عطاری، یوسفعلی و شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۸). اثر بخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر کارایی خانواده در زوج های مراجعه کننده به مرکز بهزیستی شهر اهواز، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۴۱، ص ۸۳ - ۱۰۲.
۲۴. فقیهی، علی نقی و رفیعی مقدم، فاطمه. (۱۳۸۸). بررسی میزان اثر بخشی آموزش های روان شناختی مبتنی بر روایات اسلامی در رضایت زناشویی زوجین، روان شناسی و دین، سال دوم، شماره سوم، ص ۸۹ - ۱۰۴.
۲۵. فلیک، اووه (۱۳۸۷)، در آمدی بر تحقیق کیفی، مترجم (هادی جلیلی)، تهران، نشرنی
۲۶. قنادان، منصور؛ مطیع، ناصر و ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۸). جامعه شناسی. (مفاهیم کلیدی). چاپ هشتم، انتشارات آوای نو.
۲۷. کافی، مجید. (۱۳۸۸). نظریه ی انحطاط و اصول شش گانه تکامل انسانی از نظر سید جمال الدین اسد آبادی، دو فصلنامه ی علمی - تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، سال اول، شماره ۱، ص ۴۹ - ۸۴.
۲۸. کوئن، بروس. (۱۳۸۶). مبانی جامعه شناسی، غلامعلی عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ هجدهم، انتشارات سمت.
۲۹. کریمی، جواد، منصور سودانی، مهناز مهرابی زاده هنرمند، (۱۳۹۲). مقایسه اثر بخشی زوج درمانی یکپارچه نگر و زوج درمانی هیجان مدار بر علائم افسردگی و استرس پس از سانحه ناشی از روابط فرازناشویی در زوجین، مجله روانشناسی بالینی، سال پنجم، شماره سه، پیاپی نوزده.
۳۰. محمدی، م
۳۱. حمد علی. (۱۳۸۶). رهیافتی برای تجدید نظر در نظریه های حاکم بر علوم تجربی و انسانی، نامه ی انسان شناسی، سال چهارم، شماره ۸، ص ۸۶ - ۱۰۶.
۳۲. محمودی جانکی، فیروز و آقای، سارا. (۱۳۸۷). بررسی نظریه بازدارندگی مجازات، فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، ص ۳۳۹-۳۶۱.
۳۳. مران جوری، مهدی و علی خانی، راضیه. (۱۳۸۸). نظریه محدودیت ها، مقاله حسابدار، سال بیست و چهارم، شماره ۲۱۳، ص ۷۴ - ۷۷.



اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران

